

نقش سرمایه گذاری مستقیم خارجی در رشد اقتصادی با تکیه بر تئوری وابستگی و حکمرانی در گروه کشورهای در حال توسعه

سید محمدرضا سید نورانی^۱ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۱۲

هادی سطوتی پیرایش^۲ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۲۶

چکیده

برای هر کشوری رشد اقتصادی هدف اساسی تلقی می‌شود. برای شناخت بهتر این هدف باید به عوامل مؤثر بر آن پی برد. سرمایه گذاری مستقیم خارجی به منظور تأمین مالی طرح‌های اقتصادی از جمله مهم‌ترین دغدغه‌های تصمیم‌گیران اقتصادی در جامعه است. در این بین برخی عوامل بنیادی و حیاتی که در رابطه بین رشد اقتصادی و سرمایه گذاری مستقیم خارجی نقش مؤثری ایفا کرده و کمتر مورد توجه قرار گرفته است، می‌توان به نحوه حکمرانی کشورها و میزان وابستگی کشورها به کشورهای توسعه یافته اشاره کرد. لذا هدف اصلی این تحقیق بررسی نقش سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی با تکیه بر تئوری وابستگی و حکمرانی در گروه کشورهای در حال توسعه طی بازه زمانی ۲۰۱۷-۱۹۹۰ و با استفاده رویکرد گشتاورهای تعمیم یافته سیستمی می‌باشد. جهت نیل به این هدف کلی، سه مدل برآورد شده است؛ مدل اول عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی، مدل دوم عوامل مؤثر بر نرخ ارز و مدل سوم عوامل مؤثر بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی. نتایج برآورد مدل اول تحقیق نشان داد که سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه اثر معناداری ندارد. از طرفی نتایج نشان داد که شاخص حکمرانی و شاخص وابستگی بر رشد اقتصادی اثری مثبت دارند. همچنین نتایج اثر متقابل نشان داد که حکمرانی و وابستگی اثر یکدیگر را بر رشد اقتصادی تقویت می‌کنند. نتایج برآورد مدل سوم نشان داد که رشد اقتصادی و شاخص حکمرانی اثری مثبت بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی دارند. از طرفی، شاخص وابستگی اثر معناداری را بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی نشان نداد. در نهایت نیز بر اساس نتایج به دست آمده، برخی پیشنهادات ارائه گردیده است.

واژگان کلیدی

رشد اقتصادی، سرمایه گذاری مستقیم خارجی *FDI*، حکمرانی، تئوری وابستگی، ثبات سیاسی

۱ استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۲ دانشجوی دکتری اقتصاد مالی دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران، ایران

رشد و توسعه اقتصادی از اهداف مهم اقتصادی هر کشور به شما می‌آید، زیرا برای افزایش سطح رفاه افراد هر کشور باید شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی بهبود یابند و این مهم جز در سایه رشد و توسعه اقتصادی کشورها میسر نیست. در دنیای امروز که شکاف بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه قابل درک است، جنبش عظیمی در بین کشورهای در حال توسعه برای از بین بردن این شکاف اقتصادی به وجود آمده است. در این خصوص، مردم کشورهای در حال توسعه خواهان زندگی همانند مردم کشورهای توسعه یافته هستند، به این کشورها مهاجرت می‌کنند یا می‌کوشند کشورهای خود را به سطح کشورهای توسعه یافته برسانند. بنابراین توجه به مقوله رشد و توسعه اقتصادی به سرعت در حال افزایش است (معتمدی و رحمانی، ۱۳۹۷: ۱۳۲-۱۱۷). راهکارهای متفاوتی برای رسیدن به رشد اقتصادی وجود دارد که یکی از آنها، سیاست بازبودن اقتصاد و متعاقب آن جذب سرمایه‌گذاری خارجی است.

با شکل‌گیری و توسعه مدل‌های رشد در ادبیات اقتصادی، مقوله سرمایه‌گذاری و تأمین سرمایه به عنوان یکی از موضوعات اساسی اقتصاد در کانون توجه پژوهشگران و سیاست‌گذاران قرار گرفت. بحث سرمایه‌گذاری می‌تواند در طیف وسیعی از مباحث اقتصادی مطرح شود. به عبارت دیگر همزمان که در ادبیات رشد و در سطح کلان فرآیند تأمین سرمایه مورد نیاز اقتصاد، برای قرار گرفتن در سطح تعادلی رشد مطرح است، در سطح خرد نیز یافتن منابع بهینه تأمین مالی در بخش‌های مختلف حائز اهمیت می‌باشد. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یکی از مجاری تأمین مالی (سرمایه) در سطح بین‌المللی محسوب می‌شود. طیف اثرگذاری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بسیار گسترده است، مانند تسریع آهنگ رشد اقتصادی، ایجاد اشتغال، انتقال تکنولوژی و تکنیک‌های تولید، تقویت و گسترش منابع مهم مالی و بین‌المللی، افزایش تحقیق و توسعه، افزایش بهره‌وری، تأثیر بر واردات و صادرات و تراز پرداخت‌ها، افزایش قدرت رقابت و رشد تکنولوژی ملی و ظرفیت کار و رشد مؤسسات و شرکت‌های داخلی که هر کدام به نوبه خود دارای پیچیدگی‌هایی می‌باشد (استادی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷۲-۱۴۷).

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رشد اقتصادی ممکن است رابطه‌ای متقابل داشته

باشند. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از کانال انتقال فن‌آوری بر رشد اقتصادی اثر می‌گذارد. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تنها نقش سرمایه را در تابع تولید ایفا نمی‌نماید بلکه موجب بهبود دانش فنی نیز می‌گردد. رشد اقتصادی هم می‌تواند موجب جذب بیشتر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شود، چراکه سرمایه‌گذاران خارجی ترجیح می‌دهند تا مقصدی را انتخاب نمایند که از رشد اقتصادی قابل قبولی برخوردار باشد. به همین دلیل مطالعات تجربی، نتایج گوناگونی را در مورد نحوه رابطه علی این دو متغیر گزارش می‌نماید که اختلاف بین نتایج آنها بیش از هر چیز وابسته به نوع پردازش داده‌ها است (موتمنی و زورکی، ۱۳۹۴: ۶۵-۴۵). بر اساس الگوهای کلاسیک، انباشت سرمایه از عوامل مهم رشد اقتصادی می‌باشد. کشورهای در حال توسعه برای رشد اقتصادی نیازمند انباشت سرمایه می‌باشند. با توجه به محدودیت سرمایه در کشورهای در حال توسعه، استفاده از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای انباشت سرمایه در این کشورها مورد توجه قرار گرفته است. یکی از منابعی که می‌تواند کمبود انباشت سرمایه در کشورهای در حال توسعه را جبران کند، استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی است. از بین انواع مختلف سرمایه‌گذاری خارجی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به دلیل مزیت‌هایی مانند انتقال تکنولوژی، ارتباط با بازارهای بین‌المللی، انتقال مهارت‌های مدیریتی و ... منبعی مناسب‌تر برای انباشت سرمایه و به دنبال آن، ارتقای رشد اقتصادی می‌باشد. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عبارت است از سرمایه‌گذاری که متضمن روابط اقتصادی بلندمدت بوده و نشان دهنده منافع پایدار و کنترل واحد اقتصادی مقیم یک کشور بر واحدهای اقتصادی مقیم کشور دیگر باشد (پورشهایی و اسفندیاری، ۱۳۹۶: ۱۲۶-۱۱۳).

نکته دیگر وضعیت حکمرانی در کشورهای مختلف در بحث انباشت و تشکیل سرمایه است. حکمرانی خوب که شامل شش شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و بدون خشونت، کارایی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد است از محیط سرمایه‌گذاری حفاظت کرده و زمینه رشد را فراهم می‌کند. مطالعات اخیر بر تأثیر مهم ساختار حکمرانی بر رشد و بهره‌وری تأکید دارند و تفاوت بین کشورها در رشد و بهره‌وری را در تفاوت ساختارهای حکمرانی جستجو می‌کنند. سرمایه‌گذاران بخش خصوصی چنانچه ترس از تغییرات قانونی و اداری را در فرآیند مدیریت اقتصادی سیاسی جامعه داشته باشد، در اجرای پروژه‌ها با ناطمینانی مواجه خواهند بود و این ناطمینانی باعث لغو و یا تأخیر

پروژه‌های آنها شده و این مسئله رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (کفیلی و پشیوا، ۱۳۹۶: ۵-۲۳). کشورهای در حال توسعه از جمله ایران برای رشد اقتصادی به انباشت سرمایه و فناوری نیازمند هستند. از آنجا که منبع انباشت سرمایه، سرمایه‌گذاری است بنابراین برای انجام سرمایه‌گذاری می‌باید یا پس‌انداز لازم در سیستم مالی وجود داشته باشد و یا دولت بتواند با استفاده از هزینه‌های عمرانی سرمایه‌گذاری لازم را انجام دهد. ولی مشکل موجود در کشورهای در حال توسعه این است که در این کشورها به دلیل ناکارایی بخش دولتی بیشتر درآمدها صرف هزینه جاری می‌شود و منابع برای هزینه‌های عمرانی کافی نیست. افزون بر این در این کشورها با پایین بودن پس‌انداز و پایین بودن کارایی سرمایه‌گذاری به دلیل عقب ماندگی فناورانه (عقب ماندگی فناوری سبب می‌شود که از سرمایه موجود به طور کارا استفاده نشود) منابع برای سرمایه‌گذاری کافی نباشد. یکی از منابعی که می‌تواند کمبود انباشت سرمایه را جبران کند، استفاده از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. از بین انواع مختلف سرمایه‌گذاری خارجی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به دلیل مزیت‌هایی مانند انتقال فناوری، ارتباط با بازارهای بین‌المللی، انتقال مهارت‌های مدیریتی و ... منبعی مناسب‌تر برای انباشت سرمایه و به دنبال آن ارتقای رشد اقتصادی است (صفرزاده، ۱۳۹۵: ۴۵-۳۸).

از جمله مواردی که در مطالعات مربوط به رشد و توسعه اقتصادی کمتر مورد توجه قرار گرفته است، مبانی تئوری وابستگی است. این تئوری، وابستگی توسعه کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه یافته را بیان می‌کند. این نظریه در دهه ۱۹۵۰ یعنی در دورانی که کشورهای جدید بسیاری به وجود آمده و بسیاری از آنها در وضعیت توسعه نیافتگی محصور شده بودند و بسیاری از کشورهای جهان حتی آمریکای لاتین در فقر و توسعه نیافتگی به سر می‌بردند و در واکنش به نظریات متعارف توسعه که شبیه‌سازی نهادهای کشورهای سرمایه‌داری را کلید توسعه می‌دانستند، به وجود آمد (سلیمی، ۱۳۹۰: ۲۰۶-۱۶۹). طرفداران این نظریه سعی در یافتن و بیان علل توسعه و عدم توسعه اقتصادی دارند. محققان توسعه اجتماعی و اقتصادی کشورهای توسعه نیافته را مقید به نیروهای خارجی، یعنی سلطه کشورهای قوی‌تر بر این کشورها، دانسته‌اند و در نتیجه، به نظریه گردش سرمایه تمایل داشته‌اند. نکته دیگر اینکه اهل تئوری وابستگی فرض را بر این گذاشته‌اند که علل توسعه نیافتگی را منحصرأ می‌شود برحسب مناسبات سلطه گرانه در مبادله جستجو کرد و یکسره از تحلیل نیروهای مولد و مناسبات

تولیدی چشم پوشید. جنبه خاصی از این سلطه‌گری که از همه بیشتر برآن تأکید می‌شود، «اضافه ربایی» است. طرفداران نظریه وابستگی معتقدند «اضافه» ای وجود دارد که کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری آن را از کشورهای توسعه نیافته می‌ربایند. کشور توسعه نیافته با فقر دست به گریبان می‌شود و نمی‌تواند رشد کند زیرا به «اضافه» متعلق به خودش دسترس ندارد. این «اضافه» به دست کشورهای سرمایه‌داری تصاحب و در خود آنها سرمایه‌گذاری می‌شود و یکی از علت‌های عمده توسعه سریع اقتصادی در آنجاست. فرض در نظریه وابستگی بر این است که این ربایش و تصاحب نه تنها علت پیدایش، بلکه سبب تداوم نابرابری کشورهاست، و از نظر تاریخی، غارت و تاراج مستعمرات به دست کشورهای «مادر» علت اولیه رشد ممالک اخیر و رکود مستعمرات بوده است، و همین جریان علت دوام فعلی توسعه نیافتگی را نیز روشن می‌کند (دوور^۱، ۱۹۸۳: ۱۲۲-۱۳۶). لذا با توسعه مبانی نظری این تئوری، می‌توان یکی از علل اصلی توسعه نیافتگی کشورها را عدم توانایی در جذب سرمایه‌گذاری دانست. کشورهای توسعه یافته جهت حفظ قدرت و نفوذ خود بر کشورهای دیگر، از صادر کردن تکنولوژی‌های تولید به کشورهای در حال توسعه خودداری می‌کنند. لذا حجم واردات کشورهای در حال توسعه از کشورهای توسعه بیشتر شامل کالاهای اساسی و کالاهایی است که تکنولوژی آنها فراگیر شده و تحت انحصار تولیدکننده آن نیست. از طرف دیگر، میزان وابستگی کشورهای در حال توسعه به واردات کالاهای اساسی نیز می‌تواند یکی دیگر از عوامل توسعه نیافتگی باشد که انگیزه تولید و سرمایه‌گذاری را از بین می‌برد.

نهادهای سیاسی مبتنی بر کنترل و توازن مانع از این می‌شوند که دولت‌ها نسبت به سرمایه‌گذاران دید فرصت طلبانه داشته و منافع آنها را تحت تأثیر قرار دهند. این نوع نهادها در کشورهای در حال توسعه نمود بیشتری دارد. از طرفی، یک اجماع در حال شکل‌گیری است که جریان سرمایه خارجی به کشورهای در حال توسعه با توجه به سیستم حکمرانی کشورها است. به عبارت دیگر، جریان ورود سرمایه خارجی به کشورهای با وضعیت حکمرانی خوب وضعیت بهتری داشته و این مسئله در رشد اقتصادی این کشورها تأثیر بسزایی می‌تواند داشته باشد. بنابراین درک رابطه بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رشد اقتصادی می‌تواند در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری به برنامه‌ریزان کشور کمک کند تا رشد و توسعه اقتصادی با

سرعت بیشتری اتفاق افتد. لذا هدف این مطالعه بررسی اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه با تأکید بر نقش حکمرانی و تئوری وابستگی در این گروه از کشورها می‌باشد.

مبانی نظری و ادبیات تحقیق

۱- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رشد اقتصادی

در ادبیات اقتصاد کلان مالی با آزمون اثرات نرخ ارز بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی FDI مطالعات در حوزه در کشور میزبان بوده FDI آغاز شد. نتایج این مطالعات بیانگر آثار مثبت کاهش نرخ ارز بر جریان ورودی است، بگونه‌ای که کاهش نرخ ارز باعث کاهش هزینه تولید و سرمایه‌گذاری در کشور میزبان می‌شود، بنابراین سود بخشی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را افزایش می‌دهند.

نظریه OLI دو بعد از فناوری را به عنوان عوامل بالقوه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اشاره می‌کند. بعد اول، شکاف تکنولوژیکی بین منابع بالقوه و کشورهای میزبان که هدف سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ناشی از مالکیت دارایی‌های فناوری را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بعد دوم چارچوب نهادی برای انتقال تکنولوژی است. که تمایل بنگاه‌ها را برای استفاده از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را به عنوان ارتباط دهنده بین دارایی و مزایای تولید که میزبان متأثر می‌سازد. نتایج این نظریه، اهمیت چارچوب گسترده نهادی در مطالعات تجربی تجارت و همچنین FDI را تأیید می‌نماید.

منابع انسانی، اشاعه مهارت‌های مدیریت و گسترش تجارت خارجی به ویژه دستیابی به بازارهای جدید صادراتی می‌شود و بهره‌وری را در اقتصاد بالا می‌برد. انجام فعالیت‌های تحقیق و توسعه در محل، تنوع بخشیدن به ترکیب صادرات کشور میزبان، رقابت بین دانش فنی جدید و موجود و ارتقاء بهره‌وری عوامل تولید از دیگر آثار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌باشد. جامعه‌ای توسعه یافته و یا با رشد اقتصادی بالا نیازمند نهادهای مالی مدرن و براساس مطالعات پاتریک خدمات گوناگون آن است. برخلاف نظریه مک‌کینون و شاو که معتقد بودند بازارهای مالی توسعه یافته لازمه رشد اقتصادی بالاست. پاتریک معتقد است که جامعه توسعه یافته به نهادهای مالی مدرن و خدماتش نیاز دارد و مطرح می‌کند که رشد بخش‌های واقعی

اقتصاد به رشد بازارهای مالی کمک می‌کند.

بنا بر نظر گرین وود و اسمیت دو متغیر رشد اقتصادی و بازارهای مالی توسعه یافته رابطه‌ای متقابل با یکدیگر دارند، به این معنا که آن‌ها در بلندمدت برهم تأثیرگذارند. به این ترتیب که در آغاز رشد، بازارهای مالی از طریق ایجاد نهادهای مالی و عرضه انواع دارایی‌ها به رشد بیشتر اقتصاد کمک می‌کند، اما پس از کامل شدن مراحل توسعه این رابطه برعکس شده و رشد اقتصادی به توسعه بازارهای مالی کمک می‌کند. کینگ و لوین و بک و همکاران معتقدند که سیستم‌های مالی در بهره‌وری و توسعه نقش مهمی را دارا هستند. لوین و زروس معتقدند که یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر توسعه بازار سرمایه رشد اقتصادی است که با تکامل روند آن نیاز به نهادهای مالی بیشتر می‌شود. این رشد تقاضا منجر به ایجاد نهادهای مالی جدید و پیچیده شده تا بتواند پاسخگوی نیاز جامعه باشد. رشد اقتصادی علاوه بر اینکه از طریق قیمت‌ها بر عرضه و تقاضای بازار اثر می‌گذارد (طبق نظریه راسل) می‌تواند سطح اطمینان بازار را نیز افزایش دهد و از این طریق زمینه‌های رشد تقاضای داخلی و بین‌المللی را فراهم می‌آورد.

لوین متوجه شد که رشد اقتصادی به تنهایی پاسخگوی تمام بخش‌های بازار نیست و عامل دیگری بنام سیاست‌های مالی و اقتصادی نیز بر بازار اثرگذار است. وی دریافت که آزادسازی بازار و رفع محدودیت‌های سرمایه‌گذاری می‌تواند نقدینگی و ارزش بازار را افزایش دهد همزمان با آزادسازی مالی، خصوصی سازی نیز در کشورهای در حال توسعه صورت گرفت و از این طریق عرضه عمومی اولیه، منجر به رشد بازار سرمایه شد.

بنا به نظر دملو سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی منافع بیشتری از دیگر جریان‌های مالی را به همراه دارد که علاوه بر افزایش موجودی سرمایه داخلی تأثیر مثبتی نیز بر رشد بهره‌وری از طریق انتقال تکنولوژی و تخصص مدیریتی دارد. بلومستروم و همکاران مطرح کردند که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در صورتی در رشد اقتصادی کشور میزبان کمک می‌کند که این کشور از لحاظ سطح آموزشی در سطح قابل قبولی باشد. در صورتی که بنا به نظر کرکویس و لوینو بلومستروم و وولف شواهدی در این رابطه وجود ندارد. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که چنانچه شرایطی مانند مهارت نیروی کار، ثروت بالا و بازارهای مالی توسعه یافته فراهم باشد رابطه مثبت میان آثار سرریز سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با رشد اقتصادی تأیید

می‌شود. نظرات بسیاری در رابطه با اثر مبهم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی وجود دارد. برخی از مدل‌های اقتصادی بیان می‌کند که رابطه میان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رشد اقتصادی به مداخله عوامل دیگر مشروط است. به عنوان مثال، مدلی که توسط هرمس و لنسینک ارائه شد پیش‌بینی می‌کند که اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی مشروط به توسعه بازارهای مالی میزبان است.

براساس نظر اقتصاددانان، عملکرد خوب بازارهای مالی ریسک‌های طبیعی در سرمایه‌گذاری که توسط بنگاه‌های محلی که به دنبال تقلید فناوری‌های جدید هستند را کاهش می‌دهد. با توجه به مطالعه آلفرو و همکاران توسعه بازارهای محلی پیش شرط مهمی برای اثر مثبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی است. برخی از مطالعات نقش محوری جریان سرمایه خصوصی برای ارتقاء کارایی اقتصادی را تأیید نموده‌اند. به عنوان مثال، بورنسزین و همکاران مطرح نمودند که حضور جریان سرمایه خارجی می‌تواند سرمایه اضافی را برای پس انداز محلی و ارتقاء سرمایه تجمعی فراهم آورد. بنابراین، جریان سرمایه می‌تواند رشد اقتصادی را از طریق سرریز دانش و تأثیرات کارایی بازار افزایش دهد. بنابر مطالعه کاس و همکاران سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اثر منفی نوسانات ستاده بر رشد اقتصادی را کاهش می‌دهند، درحالی که جریان‌های مالی دیگر رابطه منفی نوسانات رشد را تشدید می‌کنند. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با معرفی فناوری‌های جدید مانند شیوه‌های تولید جدید، مهارت‌های مدیریتی، ایده‌ها و تنوع در کالاهای سرمایه‌ای جدید در افزایش موجودی سرمایه و همچنین رشد اقتصادی کمک می‌کند.

سیستم مالی، تخصیص کارآمد منابع را افزایش می‌دهد و با توجه به جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به ظرفیت جذب در کشور میزبان کمک می‌کند. سیستم‌های مالی توسعه یافته تر ممکن است به روند انتشار فناوری‌های مرتبط با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کمک کنند. شومپتر اهمیت واسطه‌های مالی خوب کشورهای توسعه یافته را در افزایش نوآوری تکنولوژیکی، موجودی سرمایه و رشد اقتصادی در یک قرن قبل مطرح نموده همچنین مطالعات تأیید می‌کند که عملکرد خوب بازارهای مالی از طریق کاهش هزینه مبادله، سرمایه اختصاص داده شده در پروژه‌های با بازدهی بالا تضمین می‌شود و در نتیجه رشد اقتصادی بالا می‌رود علاوه براین، مک‌کینون مطرح می‌کند که توسعه بازارهای مالی برای پروراندن پذیرش

فناوری‌های دارای بهترین عملکرد و فرایند یادگیری از طریق انجام کار لازم و کافی است. راجان و زینگالس دریافته‌اند که توسعه مالی، هزینه مالی خارجی بنگاه را کاهش می‌دهد و منجر به ارتقای رشد می‌شود.

در مدل‌های اخیر رشد درون‌زا توجه به بخش مالی داخلی به عنوان مکانیزم انتقال سطح تکنولوژی میان جریان‌های سرمایه بین‌المللی و رشد اقتصادی شده است. سیستم مالی خوب توسعه یافته از دو مسیر جمع‌آوری پس‌اندازها که ممکن است حجم قابل دسترس سرمایه‌گذاری تأمین مالی را افزایش دهد. نظارت بر پروژه‌های سرمایه‌گذاری، که موجبات کاهش هزینه بدست آوردن اطلاعات و افزایش بهره‌وری در جریان پروژه‌ها را فراهم می‌آورد سبب تسریع در رشد اقتصادی می‌گردد. سیستم مالی در نهادهای عام و خاص ممکن است به کاهش ریسک مرتبط با ارتقاء فناوری موجود و یا پذیرش فناوری‌های جدید معرفی شده توسط بنگاه‌ها کمک کند. بنابراین، نهادهای مالی بر سرعت نوآوری فناورانه به طور مثبت اثر می‌گذارند و در نتیجه رشد اقتصادی را افزایش می‌دهند.

۲- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و حکمرانی

ثبات سیاسی یکی از کنشگران مهم برای ایجاد محیطی مناسب به منظور سرمایه‌گذاری است. اگر در کشوری آرامش و ثبات سیاسی وجود داشته باشد و از بحران‌ها و مناقشات سیاسی خبری نباشد. سرمایه‌گذار خارجی خود به خود، گرایش بیشتری برای سرمایه‌گذاری خواهد داشت. اما در کشوری که بحران وجود دارد، خطر پذیری سرمایه‌گذاری خارجی افزایش می‌یابد و روند جریان ورود FDI سیر نزولی خواهد یافت. بنابراین کشورهایی که از درجات بالایی از ثبات و امنیت سیاسی برخوردارند حجم و سرعت جریان ورود FDI به این کشورها بیشتر است. برای مثال، یکی از دلایل موفقیت کشورهای آسیای جنوب شرقی نسبت به کشورهای آمریکای لاتین در جذب سرمایه‌های خارجی، ثبات سیاسی در کشورهایی مانند چین، سنگاپور و تایلند است. مهم‌ترین این عوامل سیاسی عبارتند از:

۱. نظام سیاسی کشور

۲. نوع نگرش دولت در رابطه با سرمایه‌گذاری خارجی

۳. قوانین و مقررات حقوقی

۴. سیاست‌های متمرکز بر ساختار و عملکرد بازار به ویژه سیاست‌های مرتبط با آن

۵. رقابت، ادغام و موقعیت بین المللی

۶. عوامل فرهنگی

۳- سرمایه گذاری مستقیم خارجی و وابستگی

نئوکلاسیک ها، سرمایه گذاری خارجی را به واسطه خصوصی کردن بنگاه های دولتی، تشویق صادرات و تجارت آزاد، حذف مقررات زاید دولتی و انحرافات قیمتی به عنوان یک عامل مثبت در رشد اقتصادی کشور میزبان تلقی می کنند و سرمایه گذاری مستقیم خارجی را عاملی برای انتقال سرمایه، تکنولوژی پیشرفته و مدیریت کارآمد میدانند که منجر به افزایش رفاه اجتماعی می شود. اقتصاددانان رادیکال، نظریه نئوکلاسیک ها را خوشبینانه می پندارند و موضوع توسعه کشورهای پیشرفته و در حال توسعه را دو موضوع کاملاً مجزا به حساب می آورند، معتقدند وضعیت کنونی کشورهای در حال توسعه با شرایط گذشته کشورهای توسعه یافته فعلی تفاوت دارد.

پل باران معتقد است سرمایه دار نه تنها در خصوص بهبود مادی کشورهای جهان سوم ناتوان است، بلکه عملکرد آن ویژگی های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی این کشورها را تخریب نموده و نارسایی ها و تضادهای ذاتی خود را به این کشورها منتقل ساخته است. بنابر نظریه مکتب وابستگی کشورهای در حال توسعه از طریق مناسبات بازرگانی غیرمنصفانه و نابرابر با کشورهای پیشرفته صنعتی تحت استثمار و وابستگی قرار دارند و بدین ترتیب تجارت خارجی عملاً به صورت ابزارهایی برای تحکیم این تابعیت درآمده است.

از منظر این مکتب وابستگی ساختارهای اقتصادی و اجتماعی کشورهای توسعه نیافته به کشورهای پیشرفته، علت اصلی عقب ماندگی این کشورها در ابعاد گوناگون است. رابطه وابستگی طی دوران طولانی استعمار و امپریالیسم، شبکه ای پیچیده از رابطه بین این دو دسته از کشورها ایجاد کرده است که ویژگی اصلی آن انتقال منظم مازاد اقتصادی از کشورهای توسعه نیافته به کشورهای توسعه یافته است. بخش اعظم انباشت سرمایه در مرکز به قیمت خروج مازاد اقتصادی از کشورهای پیرامونی صورت پذیرفته است. وابستگی برای دوران طولانی به معنی وارد کردن کالای صنعتی و صادر کردن مواد خام بود؛ و این رابطه مانع رشد صنعت در کشورهای وابسته می شد. علاوه بر اینکه قیمت کالاهای صنعتی رو به افزایش و قیمت مواد خام همواره رو به کاهش است. البته در شرایط کنونی اگرچه تولید کالاهای صنعتی در پیرامون

میسر شده است اما همچنان نوعی تقسیم کار دارای سلسله مراتب ارزشی میان مرکز و پیرامون وجود دارد.

۴- پیشینه تحقیق

رستگار خرمی (۱۳۹۷: ۱۰۲-۹۸) در مطالعه خود به بررسی تأثیر نهادهای اقتصادی بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی پرداخته است. نتایج تحقیق بیانگر آن است که نهادهای دولتی، درجه باز بودن، رشد اقتصادی، تأثیر مثبت و معنی دار و نرخ ارز تأثیر منفی و معنی دار بر FDI دارند و زیرساخت قانونی، تورم، مالیات و اندازه بازار دارای تأثیر مثبت ولی بی معنی بر FDI دارند. معتمدی و رحمانی (۱۳۹۷: ۱۳۲-۱۱۷) در مطالعه خود به بررسی تأثیر سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر تشکیل سرمایه، بهره‌وری نیروی کار و رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه پرداختند. نتایج نشان داد که در این گروه از کشورها، بهره‌وری تأثیر بیشتری بر رشد اقتصادی نسبت به تشکیل سرمایه دارد. در این مطالعه اثر برخی متغیرهای کلان اقتصادی که در رشد اقتصادی اثر بسزایی دارند، بررسی نشده است. از جمله می‌توان به مصرف انرژی اشاره کرد. مداح و دل‌قندی (۱۳۹۶: ۱۵۶-۱۳۳) در مطالعه خود به بررسی اثر کیفیت نهادها و عملکرد سیاست‌های اقتصادی بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشورهای گروه جی ۸ و اوپک پرداختند. نتایج حاصل از توابع عکس‌العمل منتج از تخمین مدل نشان می‌دهند: واکنش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نسبت به کیفیت نهادها در کشورهای عضو جی ۸ مثبت است، همچنین کارایی سیاست‌های اقتصادی مثل آزاد سازی تجاری، افزایش نقدینگی و کاهش نرخ بهره واقعی در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در هر دو گروه کشورها با وجود شرایط نهادی مناسب مثل ثبات سیاسی، کارایی دولت و حاکمیت قوانین و مقررات افزایش می‌یابد. زاهدی آزاد (۱۳۹۶: ۸۰-۶۷) در مطالعه خود به بررسی نقش کیفیت قوانین و مقررات در اثرگذاری سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی در کشورهای با ۴ گروه درآمدی طی دوره زمانی ۲۰۱۶-۲۰۰۲ با کمک روش رگرسیون انتقال ملایم تابلویی پرداخته است. نتایج تأثیر مثبت و معنی دار این شاخص بر اثرگذاری FDI در رشد اقتصادی را در برخی از گروه‌های درآمدی نشان می‌دهد. جهانگرد و همکاران (۱۳۹۶: ۱۱۵-۹۵) اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی ایران را بر اساس بسط مدل پاجولا بررسی کردند. نتایج

تخمین حاکی از آن است که اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی در چارچوب مدل رشد بسط یافته پاجولا و در حالت همگرایی مشروط، در کوتاه‌مدت و بلندمدت منفی و معنادار است که البته در کشورهای در حال توسعه‌ای مانند ایران و کشورهای مشابه و با در نظر گرفتن ساختار این کشورها نتایج دور از واقعیت نیست. نتایج به دست آمده در این مطالعه با مبانی تئوری در زمینه رابطه بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رشد اقتصادی همخوانی نداشته و محققان نیز به روشنی علت این رابطه منفی را بیان نکرده‌اند. پورشهایی و اسفندیاری (۱۳۹۶: ۱۲۶-۱۱۳) در مطالعه خود به بررسی نقش توسعه مالی در ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و ارتقاء رشد اقتصادی پرداختند. نتایج مطالعه برای ۱۰ کشور آسیایی در حال توسعه شامل ایران نشان داد که توسعه مالی یک متغیر تعیین کننده در ورود FDI به این کشورها می‌باشد. همچنین نتایج نشان داد که اگرچه FDI اثر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی دارد، اما توسعه مالی به دلیل ضعیف بودن نهادها و ناکارایی در تخصیص اعتبارات اثر بازدارنده بر رشد اقتصادی این کشورها دارد. یکی از نقاط ضعف این مطالعه می‌تواند انتخاب کشورهای مورد بررسی باشد. چرا که در انتخاب کشورها بایستی به همگن بودن کشورها توجه نمود. سخنور (۲۰۱۹: ۹۶-۸۶) در مطالعه خود به دنیال پاسخگویی به این سؤال است که آیا سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی گردشگری و رشد اقتصادی در اروپا را تسریع می‌بخشد یا خیر. این مطالعه به بررسی اثرات مستقیم و غیرمستقیم FDI بر رشد اقتصادی هفت کشور اتحادیه اروپا (EU) با سهم قابل توجه درآمد گردشگری و FDI در اقتصادهای خود پرداخته است. میزان بالای درآمد تولید ناخالص داخلی گردشگری و FDI در این کشورها نشان می‌دهد که سیاست‌گذاران، درآمد گردشگری و FDI را به عنوان عوامل حیاتی در تسریع رشد اقتصادی در نظر می‌گیرند. نتایج تحقیق مزبور نشان می‌دهد که FDI در کشورهای پنجگانه توسعه یافته مورد بررسی تأثیری بر رشد ندارد. سرکودی و استریزو^۱ (۲۰۱۹: ۲۵-۴۵) در مطالعه خود به بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، توسعه اقتصادی و مصرف انرژی بر انتشار گازهای گلخانه‌ای در کشورهای در حال توسعه پرداختند. این مطالعه تأثیر مثبت قوی مصرف انرژی بر انتشار گازهای گلخانه‌ای را نشان داد. جریان مستقیم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با انتقال تکنولوژی پاک و بهبود روش‌های مدیریت کار و محیط زیست به

کشورهای در حال توسعه برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار کمک خواهد کرد. این مطالعه صرفاً بر جنبه‌های زیست محیطی تأکید داشته و از برخی متغیرهای مهم اقتصادی چشم‌پوشی کرده است. ماکون^۱ (۲۰۱۸: ۴۳۹-۴۴۷) در مطالعه خود رابطه واردات، نقدینگی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رشد اقتصادی را در جمهوری فیجی با استفاده از رویکرد ARDL بررسی کرده است. نتایج نشان داد که نقدینگی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت اثر مثبت دارند. امارا^۲ (۲۰۱۶: ۲۸-۱۸) در مطالعه خود به بررسی تأثیر حاکمیت بر رشد اقتصادی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا پرداخته است. این تحقیق نشان می‌دهد که به ازای بهبود ۱ واحد شاخص ترکیبی جدید، تولید ناخالص داخلی می‌تواند ۲ درصد افزایش پیدا کند. همچنین نتایج این تحقیق حاکی از آن است که در نه کشور از کشورهای حوزه من رابطه مستقیمی بین شاخص حکمرانی خوب و رشد اقتصادی وجود دارد به عبارتی با بهبود شاخص حکمرانی خوب، رشد اقتصادی بهبود و با وخامت این شاخص رشد اقتصادی این نه کشورها کاهش پیدا خواهد کرد. پیر^۳ (۲۰۱۵: ۲۵-۴۵) در مطالعه خود به بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر کشورهای بلوک شرقی پرداخته است. وی با استفاده از روش داده‌های تابلویی نشان داد که همه عوامل شاخص حکمرانی خوب با سرعت یکسانی بر رشد اقتصادی تأثیر ندارد و برخی عوامل نظیر ثبات سیاسی و کیفیت قوانین و مقررات با سرعت بیشتری رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین نشان داد که شاخص حکمرانی خوب در بلندمدت بر رشد اقتصادی تأثیرگذار است. همچنین این تحقیق نشان می‌دهد که برای کشورهای بلوک شرقی و حداقل در دوره ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۲ این فرضیه که بهبود شاخص حکمرانی خوب می‌تواند رشد اقتصادی را افزایش دهد، تأیید نمی‌شود.

به این ترتیب با مرور منابع و ادبیات پیشین در میابیم که مدل پیشنهادی تحقیق و با متغیرهای در نظر گرفته شده تاکنون در مطالعه‌ای بررسی نشده است. از طرفی در مدل پیشنهادی، وجود شاخص‌های حکمرانی و وابستگی در مدل تحقیق به عنوان یکی دیگر از جنبه‌های نوآوری به شمار می‌رود. شاخص حکمرانی در این مطالعه شامل شاخص‌های حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و بدون خشونت، کارایی دولت، کیفیت قوانین و

1. Makun

2. Emara

3. Pere

مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد می باشد. همچنین کاربرد تئوری وابستگی نیز یکی دیگر از جنبه های نوآوری این مطالعه می باشد.

۵- روش تحقیق

یکی از مهمترین الزامات و ضروریات پژوهش دستیابی به اطلاعات قابل اطمینان و صحیح می باشد. زیرا این اطلاعات هستند که مبنای پژوهش ها و قضاوت های آتی قرار می گیرند. این تحقیق براساس روش کتابخانه ای می باشد همچنین در این پژوهش اطلاعات مربوط به ادبیات موضوعی، مبانی نظری، پیشینه و سوابق پژوهشات انجام شده قبلی درباره موضوع پژوهش از منابع کتابخانه ای و از طریق مطالعه کتب و نشریات مقالات، پایان نامه ها اعم از منابع داخلی و خارجی جمع آوری خواهد شد. اطلاعات و داده های مورد نیاز برای بررسی و آزمون فرضیه های پژوهش از پایگاه داده ای WDI استخراج شده است.

مدل تحقیق با الهام از مطالعات سخنور (۲۰۱۹: ۹۶-۸۶)، فرج و همکاران (۲۰۱۸: ۲۳۴-۲۱۵) و ایامسیراروج (۲۰۱۶: ۱۱۶-۱۳۳) به صورت رابطه زیر می باشد.

$$\begin{aligned} \log EG_{it} = & \beta_0 + \beta_{11} \log K_{it} + \beta_{12} \log L_{it} + \beta_{13} \log FDI_{it} + \beta_{14} \log EC_{it} + \beta_{15} \log RE_{it} + \beta_{16} \log HC_{it} + \beta_{17} \log GOV_{it} \\ & + \beta_{18} \log OPEN_{it} + \beta_{19} \log D_{it} + \beta_{110} \log (D \times GOV)_{it} + \mu_{1it} \\ \log RE_{it} = & \beta_1 + \beta_{21} \log OPEN_{it} + \beta_{22} \log GOV_{it} + \beta_{23} \log INF_{it} + \beta_{24} \log INT_{it} + \mu_{2it} \\ \log FDI_{it} = & \beta_2 + \beta_{31} \log HC_{it} + \beta_{32} \log OPEN_{it} + \beta_{33} \log EG_{it} + \beta_{34} \log RE_{it} + \beta_{35} \log D_{it} + \beta_{36} \log GOV_{it} \\ & + \beta_{37} \log (D \times GOV)_{it} + \mu_{3it} \end{aligned}$$

که EG رشد اقتصادی، RE نشان دهنده نرخ ارز واقعی، K نشان دهنده سرمایه، OPEN درجه باز بودن اقتصاد، FDI نشان دهنده سرمایه گذاری مستقیم خارجی، EC نشان دهنده مصرف انرژی، HC نشان دهنده شاخص سرمایه انسانی، L نشان دهنده نیروی کار، GOV نیز نشان دهنده شاخص حکمرانی، INF نرخ تورم، INT نرخ بهره، D وابستگی و D×GOV اثرات متقابل سرمایه گذاری مستقیم خارجی و وابستگی است. در این مطالعه از شکل لگاریتمی متغیرها استفاده شده است.

در این مطالعه جهت محاسبه متغیر درجه باز بودن اقتصاد از نسبت مجموع صادرات و واردات به GDP و محاسبه متغیر وابستگی از از نسبت مجموع سرمایه فیزیکی و انسانی به GDP استفاده شده است.

از جمله روش‌های اقتصادسنجی مناسب برای حل یا کاهش مشکل درونزا بودن شاخص‌های نهادی و همبستگی بین متغیرهای نهادی و دیگر متغیرهای توضیحی، تخمین مدل با استفاده از گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) داده‌های تابلویی پویا است، استفاده از روش‌های اقتصادسنجی حداقل مربعات دومرحله‌ای دارای محدودیت‌هایی است که در این مطالعه از آن استفاده نمی‌شود. این محدودیت‌ها شامل دشوار بودن یافتن متغیر ابزاری مناسب و محدود بودن این نوع از متغیرها می‌باشد. همچنین این روش نمی‌تواند مشکل همبستگی بین متغیرهای توضیحی را حل کرده و هم خطی در مدل را کاهش داده یا از بین ببرد.

در این روش بین متغیرهای درونزا و از قبل تعیین شده، تفاوت وجود دارد. در این مدل از وقفه خود متغیرها به عنوان ابزار استفاده می‌شود. در این روش با تبدیل برازش گر‌ها از طریق تفاضل مرتبه اول، به دلیل عدم تغییر طی زمان، اثرات ثابت کشوری قابل حذف شدن است. برای اینکه نتایج در این مدل‌ها از نظر پایداری قابل اطمینان باشند، باید تعداد مشاهدات به اندازه کافی بزرگ (حداقل ۵۰ مشاهده) باشد؛ زیرا در این روش زمانی که تعداد مشاهدات اندک است، به دلیل تورش زیاد، تفسیر نتایج با مشکل مواجه خواهد شد. تخمین زن GMM از طریق کاهش تورش نمونه، پایداری تخمین را افزایش می‌دهد. روش GMM تخمین زننده قدرتمندی است که برخلاف روش حداقل راسنمایی، نیاز به اطلاعات دقیق توزیع جملات اخلال ندارد. روش مذکور مبتنی بر این فرض است که جملات اخلال در معادلات با مجموعه متغیرهای ابزاری غیر همبسته می‌باشد (عبداللهی ارپناهی، ۱۳۹۶: ۹۸-۱۱۲). در روش GMM ارائه شده توسط آرلانو و باند (۱۹۹۱: ۲۷۷-۲۹۷) از وقفه متغیر وابسته به عنوان ابزار استفاده می‌شود، اما بلوندل و باند (۱۹۹۸: ۱۱۵-۱۴۳) نشان داده‌اند که وقفه متغیرها در سطح ابزارهای ضعیفی برای معادله رگرسیونی در تفاضل هستند. برای رفع این مشکل، تخمین زن گشتاورهای تعمیم یافته سیستمی (SGMM^۱) را پیشنهاد داده‌اند که در یک رگرسیون، رگرسیون در سطح را با رگرسیون در تفاضل‌ها ترکیب می‌کند.

در روش تخمین آرلانو و باند (۱۹۹۱: ۲۷۷-۲۹۷) سطح وقفه متغیر وابسته متغیر ابزاری استفاده می‌شود، اما در بعضی از موارد وقفه متغیر وابسته ابزاری ضعیف برای توضیح رگرسیون بوده و موجب افزایش واریانس تخمین زننده و معنیدار نشدن ضرایب رگرسیون می‌شود. در

این موارد از روش گشتاورهای تعمیم یافته سیستمی استفاده می‌شود. این روش توسط آرلانو و باند (۱۹۹۱: ۲۷۷-۲۹۷) و بلوندل و باند (۱۹۹۸: ۱۱۵-۱۴۳) مطرح شد که به جای یک متغیر از یک رابطه به عنوان متغیر ابزاری استفاده می‌کند؛ یعنی دو رابطه وجود دارد که اولی وقفه متغیر وابسته و دیگری سطح متغیر وابسته را توضیح می‌دهد و از رابطه دوم به عنوان متغیر ابزاری استفاده می‌شود. آرلانو و باند (۱۹۹۱: ۲۷۷-۲۹۷) توضیح داده‌اند که اگر معادلات اصلی در سطح به یک سیستم معادلات تفاضل مرتبه اول اضافه شوند، شرط گشتاورهای اضافه می‌تواند موجب افزایش کارایی تخمین زنده‌ها (تخمین زنده GMM سیستمی) می‌شود. تخمین زنده GMM سیستمی نسبت به تخمین زنده آرلانو و باند دارای این مزیت است که تفاضل گیری از مدل باعث حذف اثرات ثابت شده و با توجه به داده‌های نسبتاً محدود و اثرات مستمر^۱ بهترین نتایج را ارائه می‌دهد.

۵-۱ نتایج برآورد

در این مطالعه، از داده‌های مربوط به کشورهای در حال توسعه شامل کشورهای الجزایر، آنگولا، اندونزی، ایران، کویت، مکزیک، نیجریه، قطر، عربستان، ترکیه، امارات و ونزوئلا طی سال‌های ۱۹۹۰-۲۰۱۷ استفاده شده است. در این قسمت ابتدا به تحلیل نتایج حاصل از آماره‌های توصیفی متغیرها مربوط به کشورهای در حال توسعه که در جدول ۱ ارائه شده، پرداخته می‌شود. سپس در ادامه، نتایج حاصل از برآورد الگوهای تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مطابق با نتایج جدول ۱، میانگین رشد اقتصادی (۴/۵۷۱) بیانگر بالا بودن نرخ این متغیر در کشورهای در حال توسعه می‌باشد. از طرفی انحراف معیار گزارش شده بیانگر پراکندگی و به بیان دیگر نوسان بالای رشد اقتصادی در این کشورها می‌باشد. میانگین نرخ ارز (۷۳/۷۶۶) بیانگر بالا بودن میزان این متغیر در کشورهای در حال توسعه می‌باشد. از طرفی انحراف معیار گزارش شده بیانگر پراکندگی و به بیان دیگر نوسان بالا در ارزش پول ملی در این کشورها می‌باشد. میانگین درجه باز بودن اقتصاد (۰/۶۷۰) بیانگر پایین بودن میزان این متغیر در کشورهای در حال توسعه می‌باشد. از طرفی انحراف معیار گزارش شده بیانگر پراکندگی و به بیان دیگر نوسان کم درجه باز بودن اقتصاد در این کشورها می‌باشد. میانگین سرمایه گذاری

مستقیم خارجی (۱/۹۲۴) بیانگر پایین بودن نرخ رشد این متغیر در کشورهای در حال توسعه می‌باشد. از طرفی انحراف معیار گزارش شده بیانگر پراکندگی و به بیان دیگر نوسان بالای سرمایه گذاری مستقیم خارجی در این کشورها می‌باشد. میانگین مصرف انرژی (۴۳۵۶) بیانگر بالا بودن میزان این متغیر در کشورهای در حال توسعه می‌باشد. از طرفی انحراف معیار گزارش شده بیانگر پراکندگی و به بیان دیگر نوسان بالای مصرف انرژی در این کشورها می‌باشد. میانگین سرمایه انسانی (۰/۶۶۷) بیانگر پایین بودن میزان این متغیر در کشورهای در حال توسعه می‌باشد. از طرفی انحراف معیار گزارش شده بیانگر پراکندگی و به بیان دیگر نوسان کم سرمایه انسانی در این کشورها می‌باشد. میانگین شاخص حکمرانی (۲۲/۱۷۲) بیانگر پایین بودن میزان این متغیر در کشورهای در حال توسعه می‌باشد. از طرفی انحراف معیار گزارش شده بیانگر پراکندگی و به بیان دیگر نوسان بالای شاخص حکمرانی در این کشورها می‌باشد. میانگین نرخ تورم (۴۷/۶۵۴) بیانگر بالا بودن میزان این متغیر در کشورهای در حال توسعه می‌باشد. از طرفی انحراف معیار گزارش شده بیانگر پراکندگی و به بیان دیگر نوسان بالای نرخ تورم در این کشورها می‌باشد. میانگین نرخ بهره (۱۴/۸۹۵) بیانگر بالا بودن میزان این متغیر در کشورهای در حال توسعه می‌باشد. از طرفی انحراف معیار گزارش شده بیانگر پراکندگی و به بیان دیگر نوسان بالای نرخ بهره در این کشورها می‌باشد. میانگین شاخص وابستگی (۰/۲۰۳) بیانگر بالا بودن میزان این متغیر در کشورهای در حال توسعه می‌باشد. از طرفی انحراف معیار گزارش شده بیانگر پراکندگی و به بیان دیگر نوسان پایین شاخص وابستگی در این کشورها می‌باشد.

جدول ۱- شاخص‌های توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار	کشدگی	چولگی
رشد اقتصادی	-۲۳/۹۸۳	۳۳/۹۹۰	۴/۵۷۱	۵/۶۹۹	۹/۳۵۱	۰/۸۳۵
نرخ ارز مؤثر	۰/۰۰۲۶	۲۳۲۱/۵۴۹	۷۳/۷۶۶	۱۴۰/۹۱۳	۱۹۵	۱۲/۵۲۷
سرمایه	۳/۶۰×۱۰ ^۸	۳/۵۵×۱۰ ^{۱۱}	۷/۸۹×۱۰ ^{۱۰}	۷/۸۰×۱۰ ^{۱۰}	۴/۴۶۸	۱/۴۲۳
درجه باز بودن اقتصاد	۰/۲۱۰	۱/۷۵۹	۰/۶۷۰	۰/۳۰۸	۴/۳۰۳	۱/۰۱۴
سرمایه گذاری مستقیم خارجی	-۶۰/۵۴	۴۰/۱۶۷	۱/۹۲۴	۳/۶۶۲	۴۷/۵۱۵	۵/۲۴۶
مصرف انرژی	۴۲۹	۲۱۹۵۹	۴۳۵۶	۵۲۲۸	۴/۷۰۷	۱/۶۱۶

سرمایه انسانی	۰/۳۵۰	۰/۸۵۶	۰/۶۶۷	۰/۱۲۶	۲/۸۰۱	-۰/۷۸۸
نیروی کار	۲۷۲۸۹۳	۱/۲۷×۱۰۸	۲۳۰۶۰۷۴۳	۲۸۶۵۳۵۹۸	۶۵۲۳	۱/۹۹۱
شاخص حکمرانی	۰	۹۱	۲۲/۱۷۲	۲۱/۷۲۶	۴/۳۴۴	۱/۳۳۶
نرخ تورم	-۴/۸۶۳	۴۱۴۵/۱۰۶	۴۷/۶۵۴	۲۸۳/۸۰۴	۱۵۳	۱۱/۷۶۶
نرخ بهره	۰/۵۸۹	۱۶۱/۲۱۱	۱۴/۸۹۵	۲۳/۸۲۴	۲۰/۰۳۸	۳/۸۵۸
شاخص وابستگی	۰/۰۱۸	۰/۵۳۵	۰/۲۰۳	۰/۰۸۴	۳/۹۰۳	۰/۳۶۳

۵-۲- آزمون ریشه واحد LLC

پیش از برآورد مدل لازم است مانایی تمام متغیرهای مورد استفاده در مدل تحقیق مورد آزمون قرار گیرد. زیرا نامانایی متغیرها باعث بروز مشکل رگرسیون کاذب می شود. در این مطالعه جهت بررسی مانایی متغیرها از آزمون ریشه واحد لوین، لین و چو (LLC) استفاده شده است. فرض اساسی آزمون LLC وجود یک فرایند ریشه واحد در بین مقاطع است. بر اساس نتایج جدول ۲، همه متغیرها در سطح مانا می باشند به استثنای متغیرهای رشد اقتصادی و سرمایه که مانا نبوده و بعد از یک مرتبه تفاضل گیری، مانا شدند. به عبارت دیگر، درجه انباشتگی آنها یک می باشد.

جدول ۲- آزمون ریشه واحد LLC

متغیر	مقدار آماره آزمون	سطح معنی داری	درجه انباشتگی
لگاریتم رشد اقتصادی	-۱۹/۰۸۲	۰/۰۰۰	I (۱)
لگاریتم نرخ ارز مؤثر	-۱/۸۱۳	۰/۰۳۴	I (۰)
لگاریتم سرمایه	-۸/۶۴۳	۰/۰۰۰	I (۱)
لگاریتم درجه باز بودن اقتصاد	-۳/۸۹۴	۰/۰۰۰	I (۰)
لگاریتم سرمایه گذاری مستقیم خارجی	-۱/۴۲۸	۰/۰۷۶	I (۰)
لگاریتم مصرف انرژی	-۶/۳۷۶	۰/۰۰۰	I (۰)
لگاریتم سرمایه انسانی	-۱/۶۰۶	۰/۰۵۴	I (۰)
لگاریتم نیروی کار	-۷/۱۴۷	۰/۰۰۱	I (۰)
لگاریتم شاخص حکمرانی	-۲۳/۱۳۰	۰/۰۰۰	I (۰)
لگاریتم نرخ تورم	-۱/۸۴۳	۰/۰۳۲	I (۰)
لگاریتم نرخ بهره	-۳/۰۶۹	۰/۰۰۱	I (۰)
لگاریتم شاخص وابستگی	-۲/۶۳۲	۰/۰۰۴	I (۰)

بر اساس نتایج جدول ۳، همه متغیرهای تحقیق به استثنای درجه باز بودن اقتصاد، سرمایه گذاری مستقیم خارجی و سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه اثرگذار می‌باشند. در ادامه تفسیر هر یک از متغیرها ارائه گردیده است.

لگاریتم نرخ ارز: ضریب برآورد شده برای این متغیر برابر با $-۰/۰۵۱$ - می‌باشد که در سطح ۹۰ درصد معنادار می‌باشد. بدین معنا که تضعیف پول ملی باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شود. با توجه به اینکه اکثر کشورهای در حال توسعه کشورهایی وابسته به واردات بوده و بروز نوسان در نرخ ارز باعث کاهش رشد اقتصادی از طریق اثرگذاری بر تولید کل دارد. بنابراین می‌توان گفت با هر واحد افزایش نرخ ارز، رشد اقتصادی به میزان $۰/۰۵۱$ درصد کاهش می‌یابد.

لگاریتم سرمایه: ضریب برآورد شده برای این متغیر برابر با $۰/۵۵۳$ می‌باشد که در سطح ۹۹ درصد معنادار می‌باشد. بدین معنا که افزایش سرمایه باعث افزایش رشد اقتصادی می‌شود. با توجه به اینکه تابع تولید اکثر کشورهای در حال توسعه متکی بر دو متغیر مهم سرمایه و نیروی کار می‌باشد، لذا افزایش سطح سرمایه فیزیکی می‌تواند باعث بهبود رشد اقتصادی از طریق بهبود تولید شود. بنابراین می‌توان گفت با هر واحد افزایش سرمایه، رشد اقتصادی به میزان $۰/۵۵۳$ درصد افزایش می‌یابد.

لگاریتم درجه باز بودن اقتصاد: ضریب برآورد شده برای این متغیر برابر با $۰/۰۱۰۶$ می‌باشد که معنادار نمی‌باشد. اگرچه این متغیر یکی از عوامل مهم در تسریع رشد اقتصادی در همه کشورها می‌باشد، اما سطح پایین‌تر تجارت در کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای توسعه یافته علت اصلی تأثیرگذار نبودن این متغیر بر رشد اقتصادی این کشورها می‌باشد.

لگاریتم سرمایه گذاری مستقیم خارجی: ضریب برآورد شده برای این متغیر برابر با $۰/۴۲۱$ می‌باشد که معنادار نمی‌باشد. اگرچه این متغیر یکی از عوامل مهم در تسریع رشد اقتصادی در همه کشورها می‌باشد، اما سطح پایین‌تر تجارت در کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای توسعه یافته از یک طرف و عدم فراهم کردن بسترهای لازم برای جذب سرمایه گذاران خارجی از طرف دیگر، علت اصلی تأثیرگذار نبودن این متغیر بر رشد اقتصادی این کشورها می‌باشد.

لگاریتم مصرف انرژی: ضریب برآورد شده برای این متغیر برابر با ۰/۲۷۱ می باشد که در سطح ۹۹ درصد معنادار می باشد. بدین معنا که افزایش مصرف انواع انرژی باعث افزایش رشد اقتصادی می شود. با توجه به اینکه مصرف انرژی یکی از متغیرهای اصلی تابع تولید در کشورهای در حال توسعه بوده و همچنین این کشورها صاحب منابع انرژی می باشند، افزایش مصرف انرژی به معنای افزایش رشد اقتصادی است. بنابراین می توان گفت با هر واحد افزایش مصرف انرژی، رشد اقتصادی به میزان ۰/۲۷۱ درصد افزایش می یابد.

لگاریتم سرمایه انسانی: ضریب برآورد شده برای این متغیر برابر با ۰/۰۱۴ می باشد که معنادار نمی باشد. اگرچه این متغیر نیز یکی از عوامل مهم در تسریع رشد اقتصادی در همه کشورها می باشد، اما کم اهمیت بودن سرمایه انسانی در کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای توسعه یافته علت اصلی تأثیرگذار نبودن این متغیر بر رشد اقتصادی این کشورها می باشد.

لگاریتم نیروی کار: ضریب برآورد شده برای این متغیر برابر با ۰/۵۵۷- می باشد که در سطح ۹۹ درصد معنادار می باشد. بدین معنا که افزایش نیروی کار باعث کاهش رشد اقتصادی می شود. با توجه به اینکه تابع تولید اکثر کشورهای در حال توسعه متکی بر نیروی کار می باشد و از طرفی، بالا بودن جمعیت نیروی کار و فراهم نبودن زمینه جذب این نیروی کار، افزایش نیروی کار که به منزله افزایش سطح بیکاری می باشد، رشد اقتصادی را کاهش می دهد. بنابراین می توان گفت با هر واحد افزایش نیروی کار، رشد اقتصادی به میزان ۰/۵۵۷ درصد کاهش می یابد.

لگاریتم شاخص حکمرانی: ضریب برآورد شده برای این متغیر برابر با ۰/۲۳۳ می باشد که در سطح ۹۵ درصد معنادار می باشد. بدین معنا که بهبود وضعیت حکمرانی باعث افزایش رشد اقتصادی می شود. شاخص حکمرانی در برگیرنده شاخص های متعدد دموکراسی در کشور و اصلاح ساختار حکومتی کشورها می باشد. با بهبود ساختار حکمرانی، زمینه جذب سرمایه گذار خارجی، ثبات بازار، اصلاح الگوهای مصرفی، توجه به نیروی انسانی متخصص و ... اتفاق خواهد افتاد. بنابراین می توان گفت با هر واحد افزایش شاخص حکمرانی، رشد اقتصادی به میزان ۰/۲۳۳ درصد افزایش می یابد.

لگاریتم شاخص وابستگی: ضریب برآورد شده برای این متغیر برابر با ۰/۲۹۱ می باشد

که در سطح ۹۹ درصد معنادار می‌باشد. بدین معنا که کاهش وابستگی باعث افزایش رشد اقتصادی می‌شود. اولین تصویر ذهنی وابستگی در سیستم اقتصادی، وابستگی از طریق واردات است. هرچه میزان وابستگی (واردات یا مجموع سرمایه انسانی و فیزیکی) بیشتر باشد، خروج ارز از کشور بیشتر بوده که این امر به معنای کاهش رشد اقتصادی می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت با هر واحد کاهش وابستگی، رشد اقتصادی به میزان ۰/۲۹۱ درصد افزایش می‌یابد.

لگاریتم اثر متقابل شاخص حکمرانی و وابستگی: ضریب برآورد شده برای این متغیر برابر با ۰/۷۹۵ می‌باشد که در سطح ۹۹ درصد معنادار می‌باشد. بدین معنا که شاخص حکمرانی با تقویت اثر شاخص وابستگی، رشد اقتصادی را افزایش می‌دهد.

جدول ۳- برآورد مدل اول تحقیق (رشد اقتصادی)

متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره t	سطح معناداری
لگاریتم نرخ ارز	-۰/۰۵۱	۰/۰۲۸	-۱/۸۳۱	۰/۰۶۷
لگاریتم سرمایه	۰/۵۵۳	۰/۰۷۰	۷/۸۸۳	۰/۰۰۰
لگاریتم درجه باز بودن اقتصاد	۰/۰۱۰۶	۰/۰۵۱	۰/۲۰۴	۰/۸۳۸
لگاریتم سرمایه گذاری مستقیم خارجی	۰/۴۲۱	۰/۷۲۶	۰/۵۷۹	۰/۵۶۲
لگاریتم مصرف انرژی	۰/۲۷۱	۰/۰۵۳	۵/۰۶۵	۰/۰۰۰
لگاریتم سرمایه انسانی	۰/۰۱۴	۰/۰۱۲	۱/۱۸۲	۰/۲۳۷
لگاریتم نیروی کار	-۰/۵۵۷	۰/۱۸۶	-۲/۹۹۰	۰/۰۰۲
لگاریتم شاخص حکمرانی	۰/۲۳۳	۰/۱۱۵	۲/۰۱۲	۰/۰۴۴
لگاریتم شاخص وابستگی	۰/۲۹۱	۰/۰۴۵	۶/۴۵۴	۰/۰۰۰
لگاریتم اثر متقابل شاخص حکمرانی و وابستگی	۰/۷۹۵	۰/۲۴۵	۳/۲۳۶	۰/۰۰۱
آزمون والد	آزمون سارگان	آرلانو و باند اول	آرلانو و باند دوم	
۲۴/۱۳۲ (۰/۰۰۰)	۶۲۲۸	۲/۰۴۰- (۰/۰۴۱)	۰/۹۳۳- (۰/۳۲۰)	

لگاریتم درجه باز بودن اقتصاد: ضریب برآورد شده برای این متغیر برابر با ۰/۱۱۴ می‌باشد که در سطح ۹۹ درصد معنادار می‌باشد. بدین معنا که افزایش سطح تجارت باعث تقویت ارزش پول ملی می‌شود. بنابراین می‌توان گفت با هر واحد افزایش سطح تجارت، پول ملی به میزان ۰/۱۱۴ درصد تقویت می‌شود.

لگاریتم شاخص حکمرانی: ضریب برآورد شده برای این متغیر برابر با ۰/۴۶۳ می‌باشد

که در سطح ۹۹ درصد معنادار می‌باشد. بدین معنا که بهبود وضعیت حکمرانی باعث تقویت ارزش پول ملی می‌شود. بنابراین می‌توان گفت با هر واحد بهبود وضعیت حکمرانی، پول ملی به میزان $۰/۴۶۳$ درصد تقویت می‌شود.

لگاریتم نرخ تورم: ضریب برآورد شده برای این متغیر برابر با $-۰/۴۰۳$ می‌باشد که در سطح ۹۹ درصد معنادار می‌باشد. بدین معنا که افزایش نرخ تورم داخلی باعث تضعیف ارزش پول ملی می‌شود. بنابراین می‌توان گفت با افزایش نرخ تورم، پول ملی به میزان $۰/۴۰۳$ درصد تضعیف می‌شود.

لگاریتم نرخ بهره: ضریب برآورد شده برای این متغیر برابر با $-۰/۲۹۳$ می‌باشد که در سطح ۹۹ درصد معنادار می‌باشد. بدین معنا که افزایش نرخ بهره داخلی باعث تضعیف ارزش پول ملی می‌شود. بنابراین می‌توان گفت با افزایش نرخ بهره، پول ملی به میزان $۰/۲۹۳$ درصد تضعیف می‌شود.

جدول ۴- برآورد مدل دوم تحقیق (نرخ ارز)

متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره t	سطح معناداری
لگاریتم درجه باز بودن اقتصاد	$۰/۱۱۴$	$۰/۰۲۸$	$۳/۹۵۹$	$۰/۰۰۰$
لگاریتم شاخص حکمرانی	$۰/۴۶۳$	$۰/۰۸۴$	$۵/۵۰۳$	$۰/۰۰۰$
لگاریتم نرخ تورم	$-۰/۴۰۳$	$۰/۱۲۴$	$-۳/۲۵۱$	$۰/۰۰۱$
لگاریتم نرخ بهره	$-۰/۲۹۳$	$۰/۰۴۲$	$-۶/۹۰۸$	$۰/۰۰۰$
آزمون والد	آزمون سارگان	آرلانو و باند اول	آرلانو و باند دوم	
$۲۴/۱۳۲$ ($۰/۰۰۰$)	$۶/۲۲۸$	$-۲/۰۴۰$ ($۰/۰۴۱$)	$-۰/۹۳۳$ ($۰/۳۲۰$)	

لگاریتم نرخ ارز: ضریب برآورد شده برای این متغیر برابر با $۰/۲۰۵$ می‌باشد که در سطح ۹۹ درصد معنادار می‌باشد. بدین معنا که با هر واحد تضعیف پول ملی، سرمایه گذاری مستقیم خارجی به میزان $۰/۲۰۵$ درصد کاهش می‌یابد.

لگاریتم درجه باز بودن اقتصاد: ضریب برآورد شده برای این متغیر برابر با $۰/۵۳۱$ می‌باشد که در سطح ۹۰ درصد معنادار می‌باشد. بدین معنا که با هر واحد افزایش سطح تجارت، سرمایه گذاری مستقیم خارجی به میزان $۰/۵۳۱$ درصد افزایش می‌یابد.

لگاریتم رشد اقتصادی: ضریب برآورد شده برای این متغیر برابر با $۰/۹۰۵$ می‌باشد که در سطح ۹۵ درصد معنادار می‌باشد. بدین معنا که با هر واحد افزایش رشد اقتصادی، سرمایه

گذاری مستقیم خارجی به میزان ۰/۹۰۵ درصد افزایش می‌یابد.

لگاریتم سرمایه انسانی: ضریب برآورد شده برای این متغیر برابر با ۰/۰۵۹ می‌باشد که معنادار نمی‌باشد.

لگاریتم شاخص حکمرانی: ضریب برآورد شده برای این متغیر برابر با ۰/۴۲۱ می‌باشد که در سطح ۹۹ درصد معنادار می‌باشد. بدین معنا که با هر واحد بهبود شاخص حکمرانی، سرمایه گذاری مستقیم خارجی به میزان ۰/۴۲۱ درصد افزایش می‌یابد.

لگاریتم شاخص وابستگی: ضریب برآورد شده برای این متغیر برابر با ۰/۰۴۰ می‌باشد که معنادار نمی‌باشد.

لگاریتم اثر متقابل شاخص حکمرانی و وابستگی: ضریب برآورد شده برای این متغیر برابر با ۰/۷۹۴ می‌باشد که در سطح ۹۹ درصد معنادار می‌باشد.

جدول ۵- برآورد مدل سوم تحقیق (سرمایه گذاری مستقیم خارجی)

متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره t	سطح معناداری
لگاریتم نرخ ارز	-۰/۲۰۵	۰/۰۶۲	-۳/۲۹۳	۰/۰۰۱
لگاریتم درجه باز بودن اقتصاد	۰/۵۳۱	۰/۲۸۹	۱/۸۳۵	۰/۰۶۷
لگاریتم رشد اقتصادی	۰/۹۰۵	۰/۴۳۳	۲/۰۸۷	۰/۰۳۷
لگاریتم سرمایه انسانی	۰/۰۵۹	۰/۰۹۵	۰/۶۲۳	۰/۵۳۳
لگاریتم شاخص حکمرانی	۰/۴۲۱	۰/۱۰۵	۴/۰۱۲	۰/۰۰۰
لگاریتم شاخص وابستگی	-۰/۰۴۰	۰/۱۶۳	-۰/۲۴۷	۰/۸۰۴
لگاریتم اثر متقابل شاخص حکمرانی و وابستگی	۰/۷۹۴	۰/۳۰۴	۲/۶۰۹	۰/۰۰۹
آزمون والد	آزمون سارگان	آرلانو و باند اول	آرلانو و باند دوم	
۲۴/۱۳۲ (۰/۰۰۰)	۶/۲۲۸	۲/۰۴۰ - (۰/۰۴۱)	۰/۹۳۳ - (۰/۳۲۰)	

دستیابی به رشد بالای اقتصادی ذهن بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران اقتصادی را به خود مشغول کرده و به یکی از دغدغه‌های همیشگی اقتصاددانان و سیاست‌گذاران در کشورهای مختلف تبدیل شده است. از دیدگاه نظری و تجربی عوامل متعددی می‌توانند بر رشد اقتصادی تأثیر بگذارند که تأثیر برخی از آنها منفی و برخی دیگر مثبت می‌باشد. ادبیات تحقیق نشان می‌دهد از جمله مهمترین عواملی که بر رشد اقتصادی یک کشور تأثیر مثبت و تقویت کننده دارند، می‌توان به میزان سرمایه‌گذاری اشاره نمود. سرمایه‌گذاری از دو جهت می‌تواند در بخش‌های مختلف اقتصادی تأثیرگذار باشد: نخست اینکه با افزایش سرمایه‌گذاری، تولید افزایش می‌یابد و با گسترش بکارگیری عوامل تولید و افزایش درآمد جامعه، مخارج زیادی صرف خرید و مصرف کالاهای مختلف می‌شود و تقاضا را افزایش می‌بخشد. سرمایه‌گذاری خارجی به دلیل فقدان منابع مالی داخلی یا عدم کارآمدی آن در کشورهای در حال توسعه موتور محرکه توسعه اقتصادی و اجتماعی این جوامع به شمار می‌آید. در شرایط کنونی اقتصاد کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، جذب این منابع ناشی از کمبود منابع مالی داخلی است. در شرایطی که منابع مالی داخلی ناتوان از تغذیه برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی است، استفاده از منابع مالی خارجی ضروری و الزامی است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با ثبات‌ترین نوع سرمایه‌گذاری خارجی است که از طریق افزایش فرصت‌های شغلی، ارتقاء کیفیت تولید و افزایش قدرت رقابتی و توان صادراتی کشور میزبان و همچنین امکان انتقال و توسعه فناوری و مهارت‌های مدیریتی و افزایش دادن سرمایه‌گذاری داخلی منجر به تسهیل فرآیند رشد اقتصادی می‌شود.

در دهه اخیر با توجه به نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در توسعه اقتصادی کشورها، توجه ویژه‌ای به رفع موانع رشد این نوع سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه شده است. در کنار وضع قوانین جدید، راهکارهایی در خصوص ایجاد بسترهای مناسب جهت جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی لازم به نظر می‌رسد. بر اساس آخرین یافته‌های تجربی در زمینه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، امروزه تقاضا برای جلب سرمایه خارجی در بازارهای جهانی بیشتر از عرضه آن است و همه کشورها به دنبال جذب این سرمایه هستند. اگر چه دستیابی به رشد پایدار اقتصادی و توسعه صنعتی یک کشور به طور لزوم در گرو سرمایه‌گذاری

خارجی نیست اما باز بودن اقتصاد می‌تواند پیامدهای مهمی بر توسعه اقتصادی داشته باشد. یکی دیگر از عوامل مهم در شکل‌گیری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، امنیت سرمایه‌گذاری است. برخی از این عوامل عمقی بوده و ریشه در فرهنگ یا ساختار سیاسی کشورها دارد و برخی دیگر به رویکرد اقتصادی دولت‌ها، عوامل فرامرزی و عملکرد کارگزاران اقتصادی مربوط می‌شود. در این میان نقش دولت به عنوان یک نهاد اجتماعی نهاد ساز در میزان جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برجسته می‌باشد.

از جمله مواردی که در مطالعات مربوط به رشد و توسعه اقتصادی کمتر مورد توجه قرار گرفته است، مبانی تئوری وابستگی است. این تئوری، وابستگی توسعه کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه یافته را بیان می‌کند. یکی از علل اصلی توسعه نیافتگی کشورها را عدم توانایی در جذب سرمایه‌گذاری دانست. کشورهای توسعه یافته جهت حفظ قدرت و نفوذ خود بر کشورهای دیگر، از صادر کردن تکنولوژی‌های تولید به کشورهای در حال توسعه خودداری می‌کنند. لذا حجم واردات کشورهای در حال توسعه از کشورهای توسعه بیشتر شامل کالاهای اساسی و کالاهایی است که تکنولوژی آنها فراگیر شده و تحت انحصار تولیدکننده آن نیست. از طرف دیگر، میزان وابستگی کشورهای در حال توسعه به واردات کالاهای اساسی نیز می‌تواند یکی دیگر از عوامل توسعه نیافتگی باشد که انگیزه تولید و سرمایه‌گذاری را از بین می‌برد.

۶-۱- در نهایت توصیه‌های سیاستی زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. با اقدام‌هایی نظیر شناخت قابلیت‌های کشور، به‌کارگیری توان اجرایی کشور در بخش‌های مختلف اقتصادی- اجتماعی، شناسایی فرصت‌های سرمایه‌گذاری و معرفی این پروژه‌ها به سازمان سرمایه‌گذاری و فراهم کردن شرایط لازم به منظور افزایش دامنه شمول سرمایه‌گذاری خارجی در بخش‌های مختلف اقتصادی (از طریق خصوصی سازی، شفافیت قیمت‌ها، آزادی عمل بانک‌ها در پرداخت تسهیلات، مشوق‌های مالی و به طور کلی زمینه سازی برای افزایش نقش بازار در بخش‌های مختلف اقتصادی) می‌توان زمینه توسعه اقتصادی را فراهم کرد.

۲. با اجرای سیاست‌هایی از جمله توسعه صادرات از و طرفی اتخاذ سیاست‌هایی همگام با سیاست آزادی تجاری، می‌توان بخش‌های مختلف اقتصادی را تقویت نمود به و رشد بالای

اقتصادی دست یافت.

۳. با سرمایه‌گذاری بیشتر در نیروی انسانی، موجبات افزایش عرضه نیروی کار متخصص و با تحصیلات عالی فراهم شود.
۴. اصلاح ساختار نهادهای دولتی و ساختار حکمرانی کشورها با برنامه ریزی و تطابق با استانداردهای سازمان‌های بین‌المللی.
۵. تقویت اقتصاد داخلی و پایداری به معیارهای اقتصاد بومی و تقویت آنها در جهت کاهش وابستگی.

۱. استادی، ح، رفعت، ب و رئیس، ع. ۱۳۹۲. نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در رشد اقتصادی ایران. تحقیقات توسعه اقتصادی، شماره ۹، ص ۱۷۲-۱۴۷.
۲. پورشهابی، ف و اسفندیاری، م. ۱۳۹۶، نقش توسعه مالی در ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و ارتقاء رشد اقتصادی. پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال ۷، شماره ۲۸، ص ۱۲۶-۱۱۳.
۳. جهانگرد، ا، دانشمند، آ، پناهی، س و نیک‌بین، ب. ۱۳۹۶. اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی ایران بسط مدل پاچولا. اقتصاد مالی، سال ۱۱، شماره ۴۰، ص ۹۵-۱۱۵.
۴. رستگار خرمی، پ. ۱۳۹۷. تأثیر نهادهای اقتصادی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه غیردولتی - غیرانتفاعی خاتم، دانشکده علوم انسانی، گروه علوم اقتصادی، ص ۹۸-۱۰۲.
۵. زاهدی آزاد، ن. ۱۳۹۶. نقش کیفیت قوانین و مقررات در اثرگذاری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه غیردولتی - غیرانتفاعی خاتم، دانشکده علوم انسانی، گروه علوم اقتصادی، ص ۸۰-۶۷.
۶. ساعی، ا. ۱۳۹۱. توسعه در مکاتب متعارض. تهران، قومس، چاپ ۵، ص ۲۶-۲۴.
۷. سلیمی، ح. ۱۳۹۰. آغاز و انجام نظریه وابستگی. علوم اجتماعی، شماره ۵۶، ص ۲۰۶-۱۶۹.
۸. شکاری، ا. ۱۳۹۴. بررسی عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با تأکید بر امنیت اقتصادی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم اقتصاد و حسابداری، ۱۱۰-۱۱۲.
۹. صفرزاده، س. ۱۳۹۵. اثر تعامل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه (۱۳۸۵). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز، دانشکده اقتصاد، مدیریت و بازرگانی، ص ۴۵-۳۸.
۱۰. عبداللهی ارپناهی، س. ۱۳۹۶. بررسی ارتباط بین شاخص فساد مالی و بیکاری در کشورهای منتخب اروپایی و آسیایی از جمله کشور ایران: رویکرد گشتاورهای تعمیم یافته سیستمی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه رازی، دانشکده علوم اجتماعی، گروه اقتصاد، ص ۱۱۲-۹۸.
۱۱. کفیلی، و و پیشوا، ر. ۱۳۹۶. تأثیر حکمرانی خوب بر رابطه بین توسعه مالی و رشد اقتصادی. مجله اقتصادی، سال ۱۷، شماره‌های ۷ و ۸، ص ۲۳-۵.
۱۲. مداح، م و دل‌قندی، م. ۱۳۹۲. بررسی اثر کیفیت نهادها و عملکرد سیاست‌های اقتصادی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای گروه جی ۸ و اوپک (رهیافت خودرگرسیون برداری در داده‌های تابلویی). اقتصاد و توسعه منطقه‌ای، سال ۲۰، شماره ۶، ص ۱۵۶-۱۳۳.
۱۳. معتمدی، س و رحمانی، ت. ۱۳۹۷. تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر تشکیل سرمایه، بهره‌وری نیروی کار و رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه. پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال ۸، شماره ۳۰، ص ۱۳۲-۱۱۷.
۱۴. موتمنی، م و زورکی، ش. ۱۳۹۴. تحلیل علّیت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رشد اقتصادی با تأکید بر

15. Alfaro, L., Chanda, A., Kalemli-Ozcan, S., Sayek, S. 2004. "FDI and economic growth: the role of local financial markets". *Journal of International Economics*, 64, 89-112.
16. Arellano, M. & Bond, S. 1991. Some Test of Specification for Panel Data: Monte Carlo Evidence and Application to Employment Equations. *Review of Economic Studies*, Vol. 58, PP. 277-297.
17. Blomström, M.; S. Globerman and A. Kokko. 2001. The determinants of host country spillovers from FDI: review and synthesis of the literature. SSE/EFI Economics and Finance Working Paper, -۲۳۰۲۳۹
18. Blundell, R. & Bond, S. 1998. Initial Conditions and Moment Restrictions in Dynamic Panel Data Models. *Journal of Econometrics*, Vol. 87, PP. 115-143.
19. Dore, E. 1983. *Dependency Theory, A Dictionary of Marxist Thought* (Oxford: Basil Blackwell). ۱۲۲-۱۳۶
20. Emara, N., & Chiu, I. (2016). The Impact of Governance on Economic Growth: The case of Middle Eastern and North African Countries. *Topics in Middle Eastern and North African Economies*, 18۲۸-
21. Fraj, S. H., Hamdaoui, M. & Maktouf. S. 2018. Governance and economic growth: The role of the exchange rate regime. *International Economics*, doi: 10.1016/j.inteco.2018.05.003. ۲۱۵-۲۳۴
22. Iamsiraroj, S. 2016. The foreign direct investment-economic growth nexus. *International Review of Economics and Finance* 42, 116-133.
23. Makun, K. K. 2018. Imports, remittances, direct foreign investment and economic growth in Republic of the Fiji Islands: An empirical analysis using ARDL approach. *Kasetsart Journal of Social Sciences* 39 (2018) 439-447.
24. Razin, Assaf & Sadka, Efraim. 2007. *Foreign Direct Investment: Analysis of Aggregate Flows*. ۸۹-۱۰۳.
25. Sarkodie, S. A. & Strezov, V. 2019. Effect of foreign investment on economic growth in the Balkan region. *Journal of Balkan Economics*, 4(1), 25-45
26. Shaw, E. S. 1973. *Financial Deepening in Economic Development*. New York: Oxford University Press. ۴۸-۶۰
27. Sokhanvar, A. 2019. Does foreign direct investment accelerate tourism and economic growth within Europe?. *Tourism Management Perspectives*, 29 (2019) 86-96.